

اهداف بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم

محمد رضا یوسفی*
محمد علی رضایی اصفهانی**

چکیده

این پژوهش کوشیده است با روش توصیفی و تحلیلی و به مدد قرآن به عنوان نخستین و مهم‌ترین منبع و آنگاه تفاسیر برتر و منابع دسته اول و مهم در این حوزه به بررسی و تبیین دیدگاه قرآن درباره اهداف بیداری اسلامی بپردازد. نتیجه پژوهش دستیابی به یک هدف غایی، یعنی قرب الهی و انسان کامل شدن و چهار هدف میانی (واسطه‌ای) شامل استقلال سیاسی و رفع استعمار، تحقق دولت اسلامی، ثبات و بقای نظام اسلامی و ایجاد نظام عادلانه اسلامی است که امت مسلمان باید آنها را تحقق بخشد و آثار شرک در تمام این جنبه‌ها را بزدايد و روح توحیدجویی و قرب به خدا را در تمام ارکان سیاسی و کارگزاران نظام، قانون‌مند و اجرایی سازد.

واژگان کلیدی

قرآن، اهداف، بیداری اسلامی، انسان کامل، دولت اسلامی.

مقدمه

بیداری اسلامی، یکی پس از دیگری کشورهای اسلامی تحت استبداد داخلی و سلطه ابرقدرت‌ها را درنور دیده و امید است این حرکت اسلام‌خواهانه و آزادی‌بخش نه تنها در تمام سرزمین‌های اسلامی بلکه به اقصی نقاط جهان پای گستراند و تمام مستضعفان را از یوغ زورمداران و صاحبان زر رهایی بخشد؛ اما این بیداری زمانی بر پایه‌های استوار و آهینی استوار خواهد بود و امید گذرکردن از آسیب‌ها و دام‌های فراوان برایش متصور است که براساس اهداف راستین، آغاز و پیش رود.

yosofi_m_r@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

*. دانشجوی دکترای قرآن و مدیریت.

**. دانشیار جامعه المصطفی (ع) العالمیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۴

امام خمینی در میان ناباوری تمام ابرقدرت‌ها، انقلاب اسلامی ایران را در میان هزاران مشکل سهمگین به پیروزی رساند و نظام مترقی مردم‌سالاری دینی را بر اساس آموزه‌های قرآنی به ثمر رساند. اکنون این انقلاب و نظام، الگویی برای امت اسلامی شده است. راز پیروزی انقلاب و تداوم آن به بیداری اسلامی بلوغ یافته ایران اسلامی بازمی‌گردد که بر پایه دستورات قرآن بنیان نهاده شده است. امت بیدار شده اسلامی برای آغاز، تداوم و بهره‌برداری از نتایج آن نیازمند همان راه است.

از سوی دیگر میزان پیشرفت و تحقق بیداری اسلامی، بر اساس سنجش میزان تحقق اهداف آن امکان‌پذیر است؛ یعنی میزان تحقق اهدافی که ذیل الگوی تحقق بیداری اسلامی در نظر گرفته شده می‌تواند نشان دهد که تا چه اندازه شاخص‌هایی که ذیل آن اهداف مطرح شده، رعایت و در بیداری اسلامی جامه عمل پوشیده است. امام صادق (ع) در هشدار نسبت به عمل بدون آگاهی و هدف می‌فرماید:

العاملُ علي غير بصيرة كالسائر علي غير الطريق لا يزيدُهُ سرعةُ السيرِ إلّا بُعداً. (کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۲۳۰)

عمل کننده بدون بصیرت مانند کسی است که به غیر مسیر درست حرکت می‌کند و سرعت حرکت جز به دور شدن او نمی‌افزاید.

تبیین اهداف بیداری اسلامی از دیدگاه اسلام، به‌ویژه با تکیه بر قرآن می‌تواند مقدمه‌ای برای حضور فعال و مدبرانه و هدفمند امت اسلامی در عرصه قدرت و سیاست داخلی و بین‌المللی باشد. بنابراین، بررسی دقیق مباحث مربوط به هدف، باید در صدر مباحث قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌کوشد اهداف بیداری اسلامی از دیدگاه قرآن مجید را بررسی، تبیین و به سامان رساند. بر این اساس، کشف و شناخت دقیق این اهداف و تبیین آنها از ضرورت‌های اساسی پژوهش است. این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای است که به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد؛ بدین گونه که دیدگاه‌های قرآن در خصوص اهداف بیداری اسلامی به مدد تفاسیر مهم و سایر منابع مهم و مورد نیاز، توصیف و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

پرسش تحقیق

نظر قرآن کریم درباره اهداف بیداری اسلامی چیست؟

اثری به طور مستقیم و جامع در مورد این بحث سامان نیافته است.

از لحاظ تجزیه مفهومی، بیداری ضد خواب و به معنای حیات و زندگی است و نیز به معنای فعال شدن هوش به کار می‌رود. واژه اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های برترین دین الهی یعنی اسلام است. از این رو، بیداری اسلامی به حرکتی همگانی از امت مسلمان اطلاق می‌شود که برای حضور همه‌جانبه اسلام در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی مسلمانان صورت می‌گیرد.

هدف در لغت به معنای نقطه بلند (ابن منظور، ۱۴۲۳: ۹ / ۳۴۶) و در اصطلاح به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که فرد به صورت آگاهانه آن را مفید تشخیص داده و برای دستیابی به آن، دست به فعالیت‌های مناسب می‌زند.

صاحب‌نظران در طراحی اهداف، اهداف را در دو بستر غایی و اهداف میانی (واسطه‌ای) بنیان می‌نهند.

هدف نهایی {و غایی} به هدفی گفته می‌شود که همه فعالیت‌های انسان در جهت دستیابی به آن، سازمان‌دهی شده و انسان تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن تنظیم و جهت‌دهی می‌کند، در صورتی که اهداف واسطه‌ای و مقدماتی به اهدافی گفته می‌شود که دستیابی به هدف نهایی وابسته به تحقق آن اهداف و گذر از آن مراحل و منازل است. (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۶۰ و ۱۶۱)

اهداف قرآن نیز با این دو دسته قابل بررسی هستند. از این‌رو، هدف نهایی قرآن باید در تمام حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و جمعی به عنوان یک هدف همیشگی در دستور کار باشد. در بیداری اسلامی نیز که حرکتی بسیار فراگیر و مهم است، باید این مهم رعایت شود. دیگر اهداف بیداری اسلامی نیز که با رویکرد سیاسی - اجتماعی سامان یافته‌اند از مباحث مهم در حرکت‌های حق‌طلبانه بشر در طول تاریخ به‌ویژه دوران معاصر بوده است که قرآن کریم نیز آنها را تأیید و پیگیری کرده است.

هدف غایی در بیداری اسلامی

هدف غایی در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های او متأثر از آن باشد (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲ / ۳۰) و حقیقت بی‌نهایت و جامع تمام ارزش‌هاست. (همان: ۳۳)

از منظر قرآن، مقصد و هدف تمام نظام هستی خدا است. «أَلَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ آگاه باشید که همه چیز به سوی خدا باز می‌گردد»، (شوری / ۵۳)

خداوند در عالم خلقت، نه تنها تمام هستی بلکه آفرینش آدمی را هم دارای هدف برمی‌شمارد:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَإِنَّا لَنَرْجِعُكُمْ (شوری / ۱۱۵)

آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟

نه تنها بیداری اسلامی بلکه تمام حرکت‌های جامعه اسلامی باید به این سو باشد؛ در غیر این صورت از هدف واقعی باز خواهد ماند. قرآن کریم در آسیب‌شناسی فراموشی این هدف حیاتی می‌فرماید:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (حشر / ۱۹)

و مانند کسانی مباشید که خدای را فراموش کردند و خدا خودشان را فراموششان ساخت. اینان همان فاسقانند.

خدای متعال و [قرب به او] غایت و هدف است و چون غایت و هدف فراموش شود، انسان از

حقیقت خود بیگانه می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶ / ۱۶۵) ریشه و اساس همه سرکشی‌ها و نابسامانی‌ها و تباه‌گری‌ها در اینجاست.

هدف غایی جامعه و نظامی که خدا را فراموش کرده‌اند طبیعت و ماده است. سخن این گروه که از اعتقادشان بر می‌خیزد این است که «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا؛ مسلماً غیر از این زندگی ما چیزی در کار نیست، گروهی از ما می‌میریم و نسل دیگر جای ما را می‌گیرد». (مؤمنون / ۳۷) این دیدگاه ناصحیح به انسان و هستی، آدمی را از رسیدن به اخلاق و انسانیت باز می‌دارد و او فقط سود خود و منافع خویش را پی می‌گیرد. پیام رهبران و مربیان این دیدگاه به جهانیان این است.

خطرناک باش؛ چنان زندگی کن که گویی در حال جنگ هستی. آنکه می‌خواهد آفریننده باشد، نخست باید ویران کننده باشد. باید همه ارزش‌های کهن را درهم شکند. خدایان کهن مرده‌اند. دیگر خدایی در جهان نیست. فقط مرد برتر وجود دارد؛ اما مرد برتر ویران کننده است نه سازنده. (هنری، ۱۳۸۲: ۴۰۹ و ۴۱۰)

بیداری اسلامی باید در عمل، کمال‌جویی و خداخواهی خویش را نشان دهد و این نیازمند آن است تا آدمی صفات الهی را در خود تجلی و ظهور بخشد. به عقیده شهید صدر «هدف از خلافت انسان آن است که بتواند شبیه ارزش‌هایی که در وجود خداوند متجلی است، در وجود خود به عنوان خلیفه خدا، تحقق بخشد؛ یعنی صفات خدا از عدالت، علم، قدرت، رحمتش بر مستضعفان، و انتقامش از جباران و مستکبران، و بخشش بی‌انتهایش، اینها همه در رفتار جامعه‌ای که «خلیفه الله» شده و در اهداف آن باید منعکس شود.» (صدر، ۱۳۹۹ ق: ۷۵) از این رو، بیداری جوانان مسلمان باید شرایط لازم را برای حرکت پیوسته و همیشگی به سوی این هدف مطلق فراهم سازند و مبارزات خود را نیز بر پایه استقرار خلافت الهی بنا نهند. تأکید قرآن بر خداخواهی و قرب به او از آن روست تا تمام فعالیت‌های حق‌طلبانه و از آن جمله بیداری اسلامی از هرگونه انحرافی در آغاز و در ادامه راه مصون ماند؛

زیرا خداپرستی از یک جهت یعنی خداگونه زیستن و در مسیر توحید حرکت کردن است. آنکه در برابر خداوند حکیم، عادل و مهربان تسلیم می‌شود و بندگی او را می‌پذیرد عالی‌ترین انگیزه‌های انسانی را بر وجود خود حاکم ساخته است. همان‌طور که می‌دانیم تقوا و تزکیه، نوع‌دوستی، عدالت‌خواهی و ایثار و از خود گذشتگی براساس خداشناسی عالی‌ترین هدف‌هایی هستند که نه تنها موجبات رشد و کمال انسان را در حیات فردی فراهم می‌سازد، بلکه باعث رشد حیات جمعی نیز می‌شود. آنکه به خدا می‌پیوندد از پلیدی‌ها، بیدادگری‌ها، هوا و هوس یا تمایلات بی‌ارزش و از خودخواهی‌ها خود را می‌رهاند. او تسلیم خدا می‌شود برای اینکه خود را از شر طاغوت‌ها و از نفوذ قدرت‌های اهریمنی آزاد سازد. (شریعت‌مداری، ۱۳۸۵: ۲۳۸)

پس هدف غایی و مطلوب بیداری اسلامی در نظر قرآن، رسیدن به قرب الهی و انسان کامل شدن است.

لازمه این کار نیز تکوین نظامی است که در آن، مکتب الوهیت و ایده توحید تحقق یابد و انسان در آن نظام بتواند به تکامل برسد؛ از بند دنیا و نقایص خود خارج شود و زمینه برای حیات حقیقی و مستمر او ذیل ایده توحید فراهم شود.

اهداف میانی (واسطه‌ای) بیداری اسلامی

نقش هدف نهایی، تعیین جهت و مسیر است؛ اما تعیین چگونگی طی مسیر به عهده هدف نهایی نیست. این مهم با هدف واسطه‌ای است. هدف‌های واسطه‌ای مسیر حرکت را تا حدی مشخص‌تر و روشن‌تر می‌کنند و مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که از به هم پیوستن آنها پیکره هدف نهایی ساخته می‌شود. (اعرافی، ۱۳۸۱: ۳۹)

اما بین این دو هدف باید همواره هماهنگی وجود داشته باشد و اهداف میانی اگر نتوانند رابطه لازم را با هدف غایی برقرار یا حفظ کنند، محصول نهایی خواه ناخواه با آرزوها و غایات تطبیق نمی‌کند. از این رو، اهداف میانی بیداری اسلامی در نظر قرآن کریم، در حقیقت خطوط اصلی نایل آمدن به هدف غایی است. شهید مطهری در کتاب «هدف زندگی» ضمن طرح اهداف حقیقی و خیالی زندگی به این نتیجه می‌رسد که آخرین هدف و آرمان اصلی در اسلام جز خدا چیز دیگری نیست (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۰) و سایر هدف‌ها زائیده این هدف (همان: ۱۲) و هر کدام منزلی از منازل است نه سر منزل. (همان: ۲۰) وظیفه بیداری اسلامی در این حرکت آن است تا در راستای هدف غایی، اهداف میانی شامل استقلال سیاسی و رفع استعمار، تحقق دولت اسلامی، ثبات و بقای نظام اسلامی و ایجاد نظام عادلانه اسلامی را توسط امت مسلمان تحقق بخشد و آثار شرک در تمام جنبه‌ها را بزدايد و توحیدجویی و قرب به او را در تمام ارکان سیاسی و کارگزاران، قانون‌مند و اجرایی سازد. هرچند تمام این اهداف میانی مورد خواست تمام آزادی‌خواهان جهان است ولی قرآن به این اهداف اکتفا نمی‌کند و اهداف والاتری را ترسیم می‌کند. بیداری اسلامی در پی دستیابی به اهداف میانی ذیل است که انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی در این مسیر پیش‌تاز و گام‌های تحسین برانگیز و بلندی را پشت سر نهاده است:

۱. استقلال سیاسی و دفع استعمار

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در عرصه حاکمیت سیاسی نظام بین‌الملل از دیرباز مطرح بوده مقوله استقلال و عدم وابستگی سیاسی حاکمیت‌ها و دولت‌ها است. استقلال و دفع استعمار و متجاوز یکی از اهداف مهم قیام‌های مردمی و جنگ‌های آزادی‌بخش مسلمانان و غیر مسلمانان بوده است و منشأ بسیاری از آلام و مشکلات برآمده از استعمار و دخالت‌های بیگانگان است. از این رو باید به عنوان یکی از اهداف بسیار مهم در بیداری اسلامی مطرح باشد و تا رفع و دفع هرگونه دخالت ادامه یابد تا مبدا با وجود خون‌های فراوان، انقلاب و ثمرات انقلاب را بار

دیگر به نفع خویش صادره کنند. همان اتفاقی که بیم آن در کشورهایی مانند مصر، تونس و لیبی می‌رود؛ اما انقلاب اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه و اتحاد و پشتیبانی مردمی توانست ریشه‌های استعمار و وابستگی سیاسی به قدرت‌ها را از خود بزدايد و پس از سی سال با وجود دسیسه‌های فراوان و سهمگین، راه توحید مداری - که یکی از مصادیق آن استقلال سیاسی و مبارزه با استعمار است - را تداوم بخشد.

استقلال، همان آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود از دست دیگران است که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می‌شود. (علی‌بابایی، ۱۳۶۵: ۲ / ۴۵ و ۴۶)

استقلال یکی از کارویژه‌های دولت‌ها است که از آن در فرهنگ علوم سیاسی به جدا بودن حاکمیت یک کشور از دیگر کشورها از انواع سلطه و سیادت خارجی یاد می‌شود. (آقابخشی، ۱۳۸۲: ۱۵۴) تفرقه جهان اسلام و فردستی غرب و استعمار بر مسلمانان و مستضعفان، همه حکایت از کاستی بیداری اسلامی در بین امت و دولت‌های مسلمان دارد، بنابراین از طریق بیداری اسلامی قرآنی می‌توان از استعمار و وابستگی رهایی یافت.

در بیداری اسلامی قرآنی، یکی از اهداف مهم، استقلال امت اسلامی و قطع وابستگی به دیگر امت‌ها است. البته در مفهوم قرآن، مرزبندی بر پایه اعتقادات و جهان‌بینی می‌باشد و ما با مفهوم دولت قومی و یا ملی مواجه نیستیم. بنابراین، آنچه از استقلال سیاسی دولت اسلامی گفته می‌شود بر پایه مرزهای اعتقادی است. خداوند در آیات فراوانی به این استقلال امت مسلمان گوشزد کرده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خدا هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد». (نساء / ۱۴۱)

استقلال ملت‌ها و دولت‌های مسلمان از قاعده «نفی سبیل»^۱ منتج می‌شود. بر اساس این آیه، خداوند در جهت همان هدف اصلی خلقت اجازه نداده است تا مسلمانان تحت سلطه و استعمار قرار گیرند و از رسیدن به هدف خلقت بازمانند. از این‌رو در بیداری اسلامی در راستای توحید عملی باید شعار لا اله الا الله را در تمام شئون سیاسی خود جاری ساخت. منشأ استقلال‌طلبی نه تنها در دین اسلام مطرح شده است بلکه بر اساس مبانی کرامت، عقلانیت، مساوات و آزادی، انسان‌ها حاضر به پذیرش دخالت یا نفوذ دیگران در سرنوشت خویش نیستند. قیام‌ها و انقلاب‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه کشورها و ملت‌ها نیز مؤید آن است. مرحوم عمید زنجانی در کتاب فقه سیاسی درباره بایستگی برابری در روابط بین‌الملل می‌نویسد:

همه انسان‌ها در آفرینش یکسان آفریده شده‌اند و این برابری، اساس روابط بین انسان‌ها را در سطح روابط اجتماعی و در مقیاس روابط بین‌المللی تشکیل می‌دهد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۳ / ۴۴۳)

قرآن کریم در آیات فراوان و در قالب‌های گوناگون، امت اسلامی را به استقلال و دفع تسلط دیگران فراخوانده است که از جمله آنها می‌توان به این آیات اشاره کرد:

۱. «نفی سبیل» اصطلاح و اصلی سیاسی - اسلامی است که بر اساس آن، مسلمانان حق ندارند از هیچ راهی زمینه‌های تسلط کفار را بر امت اسلامی فراهم آورند.

- حفظ عزت مسلمانان: نساء / ۱۳۹، فاطر / ۱۰ و منافقون / ۸.

- نفی سبیل: نساء / ۱۴۱.

- نپذیرفتن سلطه و سرپرستی کافران: مائده / ۵۱ و ۵۲.

در بیداری اسلامی مبتنی بر قرآن، مسلمانان باید در تمام امور به خداوند متعال که سرچشمه همه چیز است و حاکمیت و سلطنت واقعی در دست اوست توکل کنند و از وابستگی به دیگران بپرهیزند؛ نتیجه افزون‌سازی فکری و عملی ایمان در سیاست خارجی، رشد روحیه استقلال‌طلبی و رفع سلطه قدرتمندان است. علامه طباطبایی در تشریح این رویکرد بیداری اسلامی قرآنی می‌نویسد:

مراد از توکل چیزی است که شامل امور تشریعی و تکوینی (هر دو) می‌شود و یا حداقل مختص به امور تشریعی است. به این معنا که خدای تعالی مؤمنین را دستور داده، ... به هیچ وجه خود را مستقل ندانند و ... همچنان‌که دستورشان داده که او را در سنت اسباب و مسبباتی که در عالم جاری ساخته اطاعت کنند و ضمن آنکه بر طبق این سنت عمل می‌کنند، در عین حال آن اسباب و مسببات را تکیه‌گاه خود ننموده، برای آنها استقلال در تأثیر که همان ربوبیت است معتقد نشوند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶ / ۳۹۰)

آیت‌الله جوادی آملی، تفاوت نظام‌های سیاسی توحیدی و مشرک را تفاوتی ماهوی و مبنایی می‌داند که سرچشمه استعمار و بهره‌کشی غرب است:

نه تنها عقیده به توحید و شرک، مبنای نظری دارد، بلکه مبنای نظری در تمام شئون عملی انسان جاری است و انسان، در هر جای شهر و جامعه و نیز جوامع و ملل بر مبنای همین عقاید با یکدیگر تعامل دارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۹)

جامعه‌های به ظاهر مدنی دنیا که بشر امروزی به دام آنها گرفتار آمده‌اند یک اصل و هدف را مبنای زندگی اجتماعی قرار داده و آن را برای خود منشأ سعادت به شمار می‌آورند و آن بهره‌برداری از منافع و مزایای دنیوی و بهره‌کشی از طبقه ضعیف برای سود بیشتر است و آن عامل مهمی است که مایه هم‌آوایی و یکپارچگی آنان شده است. (همان: ۱۸۸)

هرگاه مردم از اصل فطری خود یعنی توحید الهی فاصله بگیرند، اعمال زشت و شنیع از آنان بدیهی خواهد بود. (همان: ۱۸۹)

قرآن کتاب عدالت است؛ از این‌رو حتی سلطه و تجاوز مسلمانان به سایرین را نیز نپذیرفته است.

فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَاللَّوْا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا. (نساء / ۹۰)

پس هرگاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند در این صورت خدا برای شما راهی بر علیه آنها نگشوده (یعنی مال و جانشان را بر شما مباح نکرده) است.

دلالت این آیه بر اینکه نفی سلطه‌گری مسلمانان نسبت به ملت‌های دیگر و به طریق اولی سلطه آنان به

مسلمانان را گوشزد می‌کند، کم‌تر از آیه نفی سبیل نیست که بنابر تفسیر غالب بر نفی سلطه کفار نسبت به مسلمانان دلالت دارد. ازاین‌رو بر دولت اسلامی لازم است همان‌گونه که در حفظ استقلال خود می‌کوشد به استقلال همه ملت‌ها احترام بگذارد و تجاوز به آنان را از جانب هر دولتی بر نتابد.

استقلال‌طلبی به معنای قطع روابط با سایر کشورها نیست و ارتباط باید معقول و به دور از خفت و سلطه‌پذیری باشد. ازاین‌رو باید از تندروی پرهیز کرد و اعتدال در ارتباط‌های سیاسی را رعایت کرد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ ما همچنان شما (مسلمانان) را امتی میانه قرار دادیم». (بقره / ۱۴۳) آیت‌الله مکارم شیرازی براساس این آیه رعایت اعتدال را در تمام عرصه‌های زندگی مسلمانان لازم می‌داند و از نظر اجتماعی رعایت اعتدال را چنین توصیف می‌کند:

معتدل از نظر اجتماعی، نه اطراف خود حصار می‌کشند که از جهانیان به کلی جدا شوند و نه اصالت و استقلال خود را از دست می‌دهند که همچون غرب‌زدگان و شرق‌زدگان در این ملت و آن ملت ذوب شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۸۷)

بنابراین، قرآن کریم در عین توصیه به رعایت میانه‌روی در ارتباطات بین‌المللی با گوشزد کردن خطر سلطه‌گری غیر مسلمانان و استعمارگران و دستور به عدم سلطه‌پذیری، یکی از اهداف میانی بیداری اسلامی را قطع و دفع نفوذ آنان می‌داند.

۲. تحقق دولت اسلامی

انسان به دلیل اجتماعی بودن، ناگزیر از یک نظام اجتماعی و همکاری و تعامل در آن نظام است. علامه طباطبایی ضرورت حکومت و ولایت را از اموری نام می‌برد که مردم به سبب نیازشان در اجتماع، بدان توجه می‌کنند و حقیقتی جز اعتبار عقلا ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳ / ۱۴۵)

ازاین‌رو، تمام جوامع بشری طی یک فرایند تربیتی اختیاری یا جبر محیطی به آن بلوغ سیاسی می‌رسند که باید براساس نیازها و اهداف مشترک خود دولت و حکومت را بر پا سازند. در طول تاریخ، ملت‌های فراوانی بوده‌اند که به چنین بلوغی نرسیدند و بیشتر در زیر سلطه حکومت‌های دیگر قرار داشته‌اند و اکنون نیز جهان شاهد دولت‌ها و حکومت‌هایی به ظاهر مستقل ولی در عمل در جهت منافع دیگران است.

دولت^۱ عبارت است از ساخت قدرتی که ملت برای دفاع از خود و سرزمین خود و برقراری نظم و قانون در میان خود و نگهداری نظام خود پدید می‌آورد؛ و حکومت به عنوان دستگاهی دگرگونی‌پذیر در درون این ساخت کما بیش پایدار، انجام کارکردهای آن را به عهده دارد. (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۶۳)

در اهمیت این نهاد اجتماعی، همین بس که خداوند این امر مهم را بر عهده گرفته و در آیات

1. State.

متعددی اشاره فرموده است که حق حاکمیت در ابتدا و به طور ذاتی برای خدا و آنگاه و به طور عرضی به کسانی متعلق است که از او اذن دارند: «أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ؛ آگاه باشید که حکم خلق با خداست و او زودتر از هر محاسبی به حساب خلق رسیدگی تواند کرد» (انعام / ۶۲)، «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ؛ فرمان جز خدا را نخواهد بود او به حق دستور می‌دهد و او بهترین حکم فرمایان است». (انعام / ۵۷) پس از ثبوت امر حکمرانی برای خدای سبحان می‌فرماید که من این مهم را همراه با حکمت به انبیاء دادم. «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا؛ ای یحیی! خطاب کردیم که تو کتاب آسمانی را به قوت نبوت فرا گیر و به او در همان سن کودکی مقام بخشیدم» (مریم / ۱۲) و درباره انبیا و فرستادگانش می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالتَّوْبَةَ؛ آنها کسانی بودند که ما آنها را کتاب و فرمان و نبوت عطا کردیم». (انعام / ۸۹) در حقیقت، منصب رسالت و نبوت با حاکمیت و حکمرانی توأم است، بنابراین در تعالیم اسلامی به این امر مهم، تأکید بسیار شده و نمی‌توان گفت که از این نهاد مهم اجتماعی در دین غفلت شده، یا به آن چندان پرداخته نشده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۶ و ۵۷)

در واقع، دولت و حکومت تمام شریان‌های قدرت را در جامعه در دست می‌گیرد و می‌تواند از این طریق جامعه را در مسیرهای مورد نظر جهت و حرکت دهد. این قدرت گاهی در دست نابکاران بوده و در مسیر غیرالهی استفاده شده است مانند: حکومت‌های فرعون، نمرود و گاهی در دست مردان خدا مانند: حضرت داوود و حضرت سلیمان علیه السلام قرار گرفته است و جامعه را در مسیر قرب الهی رهنمون ساخته‌اند. قرآن در مسیر رسیدن به هدف غایی بیداری اسلامی، در شرح وظایف انبیا، برقراری جامعه توحیدی و نفی طاغوت را یادآور می‌شود:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. (نحل / ۳۶)

و در حقیقت، ما در هر امتی پیامبری برانگیختیم که خدا را بپرستند و از طاغوت بپرهیزند.

در سوره اعراف در آیه‌های ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵ و سوره مائده آیه ۷۲ و سوره عنکبوت آیه ۱۶ این مأموریت را برای پیامبران نوح، هود، صالح، شعیب، عیسی و ابراهیم علیهم السلام برمی‌شمارد. در آیات دیگر هدف بعثت انبیا رهانیدن از اسارت‌ها و حاکمیت و وارث زمین شدن مستضعفان و برپایی قسط و عدل بیان شده است تا موانع قرب الهی و رشد تکاملی انسان در راستای غایت بیداری اسلامی برداشته شود:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ. (نور / ۵۵)

و خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آورد و نیکوکار گردند وعده فرموده که در زمین خلافت

دهد؛ چنان که امت‌های صالح پیامبران گذشته جانشین پیشینیان خود شدند.

وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید / ۲۵)

و برایشان کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

بدون تردید پیاده شدن اهداف مقدس انبیا نیازمند مقدماتی است که ضروری‌ترین آنها برنامه‌ریزی و فراهم آوردن امکانات و برطرف ساختن موانع است، که آن هم تنها با تشکیلات اجرایی و دستگاه‌های حکومتی مقدور است. پس کسی که خواهان تحقق عینی آن اهداف است، ناگزیر به ایجاد حکومت می‌باشد. در واقع بین این دو، ضرورت عقلانی وجود دارد.

امام خمینی علیه السلام در کتاب ولایت فقیه و کتاب البیع به مناسبت بحث ولایت بر اموال، وقتی که بحث گسترده ولایت فقیه را مطرح می‌کنند، به تفسیر آیاتی می‌پردازند که در روایت معروف به مقبوله عمر بن حنظله به آنها اشاره شده است. آیاتی که به آنها توجه می‌دهند چنین شروع می‌شود:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ. (نساء / ۵۸)

خدا به شما امر می‌کند که امانت را البته به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید داوری به عدالت کنید.

ایشان مراد از امانت در این آیات را ولایت می‌دانند؛ البته تصریح به ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام می‌کنند. همچنین مراد از حکم در این آیه شریفه را، نه تنها قضاوت، بلکه حکومت نیز بر می‌شمارند. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۱۲)

امام خمینی علیه السلام در همین کتاب در بیان ضرورت تشکیل دولت اسلامی می‌نویسند: «تشکیل دولت اسلامی وظیفه‌ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلابات سیاسی اسلامی را به پیروزی برسانند». (همان: ۴۱)

در بیداری اسلامی قرآنی، مردم بنابر مختار بودن و اندیشه‌ورزی خود باید به چنان تصمیم و اراده‌ای برسند که در راستای هدف غایی به تشکیل دولت اسلامی و حمایت از رهبران چنین راهی بپردازند و به مردم‌سالاری دینی، جامه عمل بپوشانند. آیت‌الله جوادی آملی در تبیین این مهم می‌نویسد:

جمهوریت و اسلامیت، هر کدام در حکومت الهی، سهم ویژه‌ای دارد که نمی‌توان در آن تغییری ایجاد کرد. جمهور مردم هرگاه به دنبال حکومت خدا و اجرای دین بر گستره زمین باشند، باید در اطاعت خدا و بندگی بی‌چون و چرای او هرگز کوتاهی نکنند و همواره بکوشند که اگر چنین شود، حکومت الهی در خارج، تحقق می‌یابد و پایه‌های آن بر دوش مؤمنان و صالحان استوار می‌گردد. معنای این سخن آن است که در حکومت الهی، اسلامیت، به مقام ثبوت باز می‌گردد و جمهوریت،

به مقام اثبات. یعنی دین، حقیقتی است که از سوی خداوند به دست انبیا ارائه شده و همواره ثابت، تبدیل‌ناشدنی و تغییرناپذیر است، چه انسان‌ها تمکین کنند و بپذیرند و چه به مخالفت با آن برخیزند؛ اما تحقق عینی و خارجی و سازمان یافتن حاکمیت دین در جامعه، جز با همراهی دست قوی و دل مشتاق انسان‌ها ممکن نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۶۰)

قرآن کریم در راستای الگوسازی که از بهترین روش‌های تربیت است به ارائه نظام سیاسی آرمانی خود می‌پردازد که در اوج کارآمدی برای تمام انسان‌ها و در راستای تحقق قرب الهی است:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
لَهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. (حج / ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

این آیه از سویی یکی از وظایف بیداری‌جویان مسلمان را مشخص می‌سازد و از سویی دیگر شاخصی برای سنجش حکومت‌های مدعی اسلام نیز است. برای رسیدن به این همراهی دست قوی و دل مشتاق و برای برپایی حکومت باید فرآیند تربیتی‌ای را پشت سر نهاد. روان‌شناسان و مربیان عرصه تربیت ایجاد شناخت، نگرش و احساس صحیح را برای فعالیت پایدار جامعه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ضروری بر می‌شمارند، از این‌رو بیداری اسلامی نیز باید بتواند در امت اسلامی در این سه مهم ارتقا ایجاد کند. آلموند و ربا (۱۹۶۳) از پژوهشگران عرصه تربیت سیاسی به فرآیندی اشاره می‌کند که از راه آن، افراد جامعه نگرش‌ها و احساسات مربوط به نظام سیاسی و نقش خود را در آن کسب می‌کنند. سه عنصر مهم این فرآیند عبارتند از:

۱. شناخت؛ یعنی شخص درباره نظام سیاسی، ماهیت و طرز عمل آن، اطلاعات اساسی داشته باشد.
۲. احساس؛ یعنی شخص نسبت به نظام سیاسی کشور چه احساسی دارد؟ که شامل وظیفه‌شناسی، وفاداری و حس تعهدات شهروندی است.
۳. حس شایستگی سیاسی؛ یعنی نقش فرد در نظام سیاسی چیست؟ یا چه می‌تواند باشد؟ (عابدینی، ۱۳۸۳: ۶۲)

پس از طی این فرآیند، بیداری اسلامی باید به این اهداف دست یافته باشد:

- الف) پذیرش اصل رهبری الهی و ولایت توسط متریبان و پرورش افراد، برای تابعیت و متبوعیت معقول و مشروع آن (ولایت‌مداری)؛
- ب) پرورش افرادی که در مقابل سرنوشت اجتماعی و سیاسی جامعه خودشان احساس مسئولیت کنند و پیوسته در صحنه‌ها حضور مؤثر داشته باشند؛ (مشارکت سیاسی) (همان)
- ج) متربی باید بداند دولت چیست؟ دولت اسلامی کدام است؟ چرا وجودش برای اداره اجتماع ضرورت

دارد؟ وظایف دولت کدام است؟ او چگونه می‌تواند پاسدار آزادی و استقلال باشد؟ چگونه می‌تواند جلوی استثمارها را بگیرد؟ علیه ناروایی‌ها اقدام کند؟ و ... او باید بداند که چرا دولت نیاز به قدرت و نیرو دارد. این قدرت از کجا به دست می‌آید؟ در چه راهی باید صرف شود؟ روش حکومت‌ها چگونه باید باشد؟ وظیفه‌اش در برابر مردم کشور چیست؟ چه روابطی با مردم دیگر کشورها و دولت‌های بیگانه دارد؟ ... آیا باید از دولت اطاعت کرد؟ تحت چه شرایطی؟ اگر دولت از وظیفه‌اش منحرف شد چه باید کرد؟ آیا نظام حکومتی، استبداد است؟ دموکراسی است؟ اسلامی است؟ و ...؛ (قائمی، ۱۳۶۱: ۱۹)

۳. ثبات و بقای نظام اسلامی

وقتی یک نظام سیاسی شکل می‌گیرد، بی‌تردید رهبران و سیاست‌گذاران آن تلاش می‌کنند تا از راه‌های گوناگون، لوازم ثبات و بقای آن را برای رساندن آن به هدف غایی ترسیم و عملیاتی سازند. در غیر این صورت از میدان و بازار قدرت بیرون قرار می‌گیرند. حکومت‌هایی که در سایه بیداری اسلامی متولد می‌شوند نیز از این مهم مستثنی نیستند. ثبات و بقای نظام سیاسی ذیل بیداری اسلامی، یکی از اهداف بدیهی است. هرچند هنوز بسیاری از کشورهای اسلامی در ابتدای راه هستند ولی این مهم دور از انتظار نیست و آنان باید پس از تشکیل حکومت، بلافاصله در فکر ثبات و بقای آن باشند تا حکومت از تطاول و رهنزی فرصت‌طلبان، منافقان و عوامل دشمن در امان ماند.

پس همان‌گونه که مشارکت سیاسی امت منجر به شکل‌گیری نظام اسلامی می‌شود، مشارکت سیاسی مداوم آنان هم منجر به ثبات و بقای نظام است. با توجه به اهمیت و سهم تعیین‌کننده حضور مردم در صحنه‌های سیاسی، قرآن کریم به مؤمنان و پیامبر ﷺ می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ. (نور / ۶۲)

جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند، و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

برخی از مفسران همچون طبرسی، «امر جامع» را به کارهای مهم اجتماعی تفسیر کرده‌اند که همکاری و مشارکت عمومی در آن لازم است. وی می‌گوید:

چون آیات قبل، معاشرت با نزدیکان و مسلمانان را بیان کرد، این آیه چگونگی برخورد با پیامبر ﷺ را مطرح کرده است. آیه می‌فرماید: مؤمنان حقیقی کسانی هستند که یگانگی خدا و رسالت رسول اکرم ﷺ را تصدیق کنند و با آن حضرت در اموری که به تعاون و همکاری نیاز است مانند: جنگ، نماز جمعه و مانند آن همگام باشند. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۷ و ۸ / ۲۴۸)

به یقین، حکم این آیه محدود به زمان پیامبر ﷺ نیست، بلکه گستره آن تمام ازمنه و اعصار را در بر می‌گیرد؛ یعنی همه رهبران الهی اعم از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و علمای دین (واجدان شرایط رهبری) به عنوان ولی امر مسلمانان مشمول این آیه‌اند؛ زیرا اولاً حفظ نظام اسلامی وابسته به آن است و ثانیاً کتابی که ادعای ابدیت دارد، احکام آن نمی‌تواند محدود به زمان پیامبر ﷺ باشد. (همان: ۲۶۵)

امام خمینی رحمه‌الله معمار نظام جمهوری اسلامی نیز رمز بقای حکومت اسلامی را که بر گرفته از قرآن است، این چنین معرفی می‌کند:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۷)

پس حمایت مردم از حکومت و دولت به عنوان یک تکلیف و وظیفه می‌باشد و اسلام این وظیفه‌مندسازی را به عنوان یک راهکار برای جلوگیری از خمودگی و غفلت سیاسی مطرح کرده است. علامه طباطبایی درباره تکالیف جامعه در برابر دولت می‌نویسد:

عموم آیاتی که متضمن لزوم اقامه عبادات و انجام حج و اجرای حدود و قصاص و نظایر آنها است، روی سخن خود را تنها به پیامبر ننموده، بلکه تمام مؤمنین را مخاطب قرار داده و اجرای این امور را از همه آنها خواسته است. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ؛ نماز را به پا دارید»، (نساء / ۷۷) «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ باید جماعتی از شما مردم را به خیر و خوبی دعوت نموده و امر به معروف و نهی از منکر کنند»، (آل عمران / ۱۰۴) «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ آن طوری که شایسته است در راه خدا جهاد نمایید»، (حج / ۷۸) «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا؛ همه شما به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید»، (آل عمران / ۱۰۳) «أَنْ أَقِمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ اقامه دین نموده و در آن اختلاف نکنید» (شوری / ۱۳) و غیر اینها آیات دیگری که دارای همین روش است. از مجموع این آیات استفاده می‌شود که دین یک روش اجتماعی است که خداوند آن را بر عهده مردم قرار داده و افراد باید همه با هم به طور دسته‌جمعی، اقامه دین کنند. پیدا است که اجتماع چون از افراد تشکیل شده اداره آن نیز باید بر عهده خود آنها بوده باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۲)

آیت‌الله سبحانی نیز در این باره می‌نویسد:

این‌گونه از تکالیف که در فقه اسلامی به آنها واجب کفایی می‌گویند، تکلیف جامعه اسلامی در شعاع کوچک آن روز و شعاع بزرگ امروز است و حقیقت واجب کفایی جز این نیست که خدا، این وظیفه را از جامعه اسلامی می‌طلبد، به‌گونه‌ای که اگر فردی یا گروهی قیام به وظیفه کنند

و زیر بار تکلیف بروند تکلیف محول به جامعه را انجام داده‌اند و اگر همه اعضای جامعه در انجام آن کوتاهی ورزند، همه مسئول خواهند بود. (سبحانی، ۱۳۶۲: ۱۷۹)

پس در بیداری اسلامی، پس از تحقق دولت اسلامی به وسیله مشارکت سیاسی مردم، در حفظ و تداوم آن که سخت‌تر از ایجاد آن است مردم باید بیش از پیش قدرتمندانه در صحنه، حضور داشته باشند. حضور گسترده و پرشور مردم به‌ویژه جوانان و زنان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، عضویت و حمایت از احزاب با سابقه درخشان و نیک و شرکت در تظاهرات‌ها همگی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی در پشتیبانی مردم از بقا و ثبات نظام‌ها در منظر کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی است.

۴. ایجاد نظام عادلانه اسلامی

یکی دیگر از اهداف میانی مهم در بیداری اسلامی قرآن، اقامه حق و عدالت در زمینه‌های مختلف است که در واقع پاسخ‌گویی به ندای عدالت‌خواهی و رفع ظلم از انسان‌های در بند است. بیداری اسلامی در مسیر رسیدن به هدف غایی، باید از این مسیر عبور کند؛ یعنی تا خود مردم عدالت را نخواهند و در برپایی آن تلاش نکنند و حکومت حق و عدل برپا نشود، چگونه یک جامعه اسلامی می‌تواند به قرب الهی برسد؟ در بیداری اسلامی از منظر قرآن، اصل عدالت و مساوات از اصل خداخواهی و قرب الهی‌جستن جدا نیستند. آیت‌الله جوادی آملی درباره ارتباط این دو با یکدیگر می‌نویسد:

اگر روابط زندگی بر پایه توحید قرار گیرد، نمی‌توان مدار زندگی را به دنیای مادی محدود دانست و هر نوع بهره‌کشی نیرومندان از ضعیفان را تجویز کرد؛ از همین رو اسلام از مسلمانان می‌خواهد که همه امور زندگی خویش را براساس توحید و عدالت تنظیم کنند که سعادت و خوشبختی فرد و جامعه و امدار رعایت این دو اصل است و همه بدبختی و انحطاط مسلمانان در نادیده انگاشتن آن است. هرگونه روابط انسانی در حیات اجتماعی از قبیل روابط فرهنگی و تربیتی، مشارکت تجاری و اقتصادی، قراردادهای سیاسی و نظامی، بر مبنای همین اصل تنظیم شده‌اند. در حقیقت این دسته از مسائل در زندگی اجتماعی، اموری نازل از مقام توحید است و مراتب صاعد آنها همان مقام عالی توحید است، پس توحید، جامع همه تعالیم الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۹ - ۱۸۸)

در ایجاد نظام عادلانه اسلامی، قرآن کریم دو فرآیند را پیش روی مشتاقان قرار می‌دهد. نخست آنکه فرد امت اسلامی، به عنوان یک تکلیف الهی، عدالت را مراعات کنند و همچنین در راستای تحقق و گسترش آن تا سطح حکومت نیز تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر و جهاد تلاش کنند. (مائده / ۸؛ نساء / ۷۵ و ۷۶)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ. (حدید / ۲۵)

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرو آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است.

این آیه، از به پا خاستن مردم سخن می‌گوید و نمی‌فرماید که انبیا انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می‌گوید: هدف این بوده که مردم خود مجری قسط و عدل باشند.

آری این مهم است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این را با پای خویشتن بیوبند. ولی به هر حال در یک جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاقی، اعتقادی و تقوا بالا باشد، باز افرادی پیدا می‌شوند که سر به طغیان و گردن‌کشی برمی‌دارند و مانع قسط و عدل می‌شوند. از این رو قرآن در ادامه آیه می‌فرماید: «و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس»؛ آری اجرای عدالت وقتی می‌تواند به هدف نهایی برسد که از ضمانت اجرایی (آهن) و «بأس شدید» برخوردار باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۳ / ۳۷۲)

شیخ محمد شلتوت در ذیل این آیه در تفسیر القرآن می‌نویسد:

وانگهی [قرآن] در این حد توقف نکرده که مردم خود عدالت را برپا دارند، بلکه وحی می‌شود که عدل و داد مطلوب است و باید با ایمان به آن و در سطح عمومی انجام بگیرد و اگر شده در این مورد با کاربرد «زور» و ابزار آهن «اسلحه» مردم را به راه عدالت و مساوات درآوردند. (شلتوت، ۱۳۷۹: ۵۳۰)

در آیه مذکور با ارسال پیامبران، هماهنگی عدالت و توحید در مسیر بیداری اسلامی به خوبی آشکار است و اصل آزادی، عقلانیت و مشارکت، نقش کلیدی در برپایی عدالت دارد و این مهم از جمله «ليقوم الناس بالقسط؛ برای اینکه مردم عدالت را برپا دارند»، استخراج می‌گردد. در ترجمان دیگر، باید مردم (ناس) به چنان بلوغ اندیشه‌ورزی، آزادی و مشارکت در بیداری اسلامی برسند که خود برای برپایی آن برخیزند. اگر در این راه که فرمان الهی است مانعی به وجود آمد که به طور قطع وجود دارد، مردم باید قیام کنند.

پس برای گسترش عدالت در یک حد مناسب و مطلوب، باید آن را در ظرف اجتماع گنجاند. بی‌گمان ایجاد چنین تغییر گسترده‌ای نیازمند قدرت در این سطح است و چاره‌ای نیست که عدالت‌خواهان چنان خود را افزون سازند تا نیروی مقابله با بی‌عدالتی‌ها که بیشتر سر منشأ آن حکومت‌ها می‌باشند را سرکوب و قدرت را در دست گیرند. خداوند در این راستا به حکومت‌ها و کارگزاران نیز دستور می‌دهد که عدالت را مراعات کنند.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ. (نساء / ۵۸)

خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

این آیه سفارش به رعایت عدالت از سوی قضات، داوران و تمام کارگزاران و دولتمردان است. شیخ طوسی رحمته‌الله در ذیل این آیه می‌گوید: «خداوند به تمام حکام و زمامداران دولتی دستور می‌دهد که در بین مردم به عدالت حکم کنید نه به ظلم و جور». (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۲۳۴)

امام خمینی نیز اساساً قضاوت را یکی از رشته‌های حکومت و یکی از کارهای حکومتی بر می‌شمارد و در تفسیر این آیه «و اذا حکمت بین الناس ...» می‌گوید: «ظهور در مسائل حکومت دارد و قاضی و همه حکومت کنندگان را شامل می‌شود». (علی آبادی، ۱۳۸۷: ۳ / ۱۱۷)

نتیجه

هر حرکتی به سوی آن هدفی رهنمون است که برایش تصور و ترسیم شده باشد. هدف‌گذاری‌های ناقص و یا خطا جز هدر دادن منابع انسانی و مالی و یا دست نیافتن به سرمنزل واقعی ثمری در بر نخواهد داشت. حرکت مقدس و مترقی بیداری اسلامی نیز از این مهم بی‌نیاز نیست. واقعیت‌های موجود در تداوم بیداری اسلامی در برخی از کشورهای به پیروزی رسیده، ترس فرو غلطیدن در سلفی‌گری، جنگ مذهبی و ... را رشد می‌دهد. نمونه آن اختلافات گوناگون موجود در مصر و تونس و درگیری سلفی‌ها با دولت ضد صهیونیست سوریه است. بیداری‌جویان مسلمان باید با پرهیز از این اشتباهات، به سراغ اهداف الهی و قرآنی بروند تا تلاش‌های آنان به نتیجه صحیح و الهی دست یابد. از این‌رو برای رسم آن اهداف باید به سراغ قرآن، کتاب بیداری اسلامی رفت که تمام مسلمانان بر عمل و اطاعت از آن تأکید و اعتقاد دارند و تنها نسخه مصون از تحریف است؛ بنابراین، بیداری اسلامی ناگزیر از آشنایی با اهداف بیداری اسلامی از منظر آن است تا این حرکت مهم و تاریخی آن‌گونه که خواست خداوند است حرکت کند. به نظر می‌رسد این کتاب شریف اهداف بیداری اسلامی را با یک هدف غایی و نهایی با عنوان قرب الهی و انسان کامل شدن و چند هدف میانی (واسطه‌ای) که خواست تمام انسان‌های آزاده و در بند است، پی می‌جوید. این اهداف شامل استقلال سیاسی و رفع استعمار، تحقق دولت اسلامی، ثبات و بقای نظام اسلامی و ایجاد نظام عادلانه اسلامی است.

هدف غایی بیداری اسلامی همان حرکت به سوی هدف الهی خلقت بشر است که مهم‌ترین هدف انبیا از آدم تا خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم بوده است و باید تمام حرکت‌ها سمت و سوی خدایی داشته باشد. از این‌رو به هیچ قیمتی نباید از آن دست کشید؛ هدفی که تمام انبیاء الهی برای آن حتی جان خویش را فدا می‌کردند.

اهداف دیگر همگی مهم و برای بقای حیات بشری ضروری می‌باشند و اندیشمندان آزاد و فطرت بشر بر آن صحه می‌گذارد. بسط و گسترش جامعه‌ای با ویژگی‌های مورد نظر قرآن نیز از این راه می‌گذرد. جامعه‌ای که بر آن مستکبران حکومت نکنند و مردم را از حقوق طبیعی‌شان محروم نسازند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای و محمد مهدی فولادوند.
۲. آشوری، داریوش، ۱۳۷۳، *دانشنامه علوم سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، تهران، مروارید.
۳. آقابخشی، علی‌اکبر، ۱۳۸۲، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۲۳، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. اعرافی، علی‌رضا، ۱۳۸۱، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، سمت.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه انقلاب*، قم، دفتر حوزه علمیه قم.
۷. _____، ۱۳۷۳، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. بی‌نا، ۱۳۸۴، *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، سمت.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *جامعه در قرآن*، قم، اسراء.
۱۰. _____، ۱۳۷۶، *فطرت در قرآن*، قم، اسراء.
۱۱. _____، ۱۳۸۵، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم، اسراء.
۱۲. حبیبی، رضا، ۱۳۸۵، «هدف غایی در تربیت اخلاقی»، *راه تربیت (ویژه تربیت اخلاقی)*، اول، پاییز ۸۵.
۱۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۶۲، *مبانی حکومت اسلامی*، ترجمه ابوالفضل موقد، قم، کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام.
۱۴. شریعتمداری، علی، ۱۳۸۵، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر.
۱۵. شلتوت، محمد، ۱۳۷۹، *تفسیر القرآن*، ترجمه محمدرضا عطایی، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۱۶. صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۹، *خلافة الانسان و شهادة الانبیاء*، بیروت، دارالتعارف.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. عابدینی، احمد، ۱۳۸۳، *فرزندان و مسئولیت پذیری اجتماعی - سیاسی*، تهران، عابد.
۲۱. علی‌آبادی، سیدمحمد، ۱۳۸۷، *تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی علیه السلام*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۲۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۱۰، تابستان ۹۲، ش ۳۳

۲۲. علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۵، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، ویس.
۲۳. عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۳، *فقه سیاسی؛ نظام سیاسی و رهبری در اسلام*، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
۲۴. قائمی، علی، ۱۳۶۱، *تربیت سیاسی کودک*، تهران، شفق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۰، *هدف زندگی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۸۳، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۸. هنری، توماس، ۱۳۸۲، *بزرگان فلسفه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، علمی و فرهنگی.